

توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی

(قسمت دوازدهم)

انگلیس ها از ائتلاف احتمالی غازی امان الله خان و ملی گرایان هند ترس داشتند

از آغاز جنگ جهانی اول علایق مشترکی ملی گرایان افغانستان، مسلمانهای هندوستان، و پان اسلامیت های ترک را به مقابل انگلیسها متحد ساخته بود. آگاهی مربوط به اخوت و وحدت اسلامی از طریق مقالات هیجان آور سراج الاخبار در اثنای جنگ گسترش می یافت. و نشرات دیگری از قبیل "الحلال" و بعد از آن "البلاغ" که در کلکته توسط ابولکلام آزاد منتشر میشد، "زمیندار" که شدیداً علیه انگلیس بود و در لاهور توسط ظفر علی خان منتشر میشد، "کامرید" بزبان انگلیسی و "همدرد" به زبان اردو که در دهلی توسط محمد علی بنشر میرسید، و خاصتاً روزنامه فارسی زبان "حبل المتین" که در کلکته هندوستان نشر میشد، در گسترش احساسات اسلام گرایی عمومی (پان اسلامیزم) در افغانستان کمک نمودند. **جنگ استقلال و پیروزی افغانها با بروز احساسات شدید ضد انگلیس در سراسر جهان اسلام و شیوع پان اسلامیزم به حیث یک نیروی سیاسی همزمان بود (۱).**

حمایت حکومت امانی از پان اسلامیزم برای ضعیف ساختن نفوذ انگلیس ها

پان اسلامیزم و اسلام گرایی جهانی به مفهوم همبستگی اسلامی یک جنبش سیاسی خواهان وحدت مسلمین تحت یک دولت اسلامی یا خلافت بود. نمونه یا مودلی که جنبش خلافت خواهان آن بود، اولین سیستم دولت اسلامی در صدر اسلام و دوران خلفای راشدین بود که از وحدت سیاسی جامعه اسلامی نمایندگی میکرد، یعنی یک جامعه سالم و نیرومند در یک دولت واحد.

علامه سید جمال الدین افغانی (۱۸۳۸ تا ۱۸۹۷) بنیان گذار و پیشوای پان اسلامیزم بود. سید برای مقاومت در برابر اشغال استعماری سرزمین های مسلمانان، خواهان وحدت بین مسلمین بود، و خواهان سرنگونی آنده از حکمرانانی بود که از خارجی ها فرمانبرداری میکردند. او میخواست مردان قوی و میهن پرست جایگزین شان شوند.

در دوران جنگ جهانی اول هنگامیکه ترکیه به مقابل امپراتوری انگلیس و متحدینش به پشتیبانی از جرمنی وارد جنگ شد، احساسات همبستگی و اتحاد در جهان اسلام یکبار دیگر تقویت یافت. حتی مفکوره احیای مقام خلافت توسط سلطان عبدالحمید دوم، سلطان ترکیه عثمانی، و مبارزات ترک های جوان بنام جنبش خلافت حمایت قوی را برای حفظ مقام خلافت در شبه قاره هند و افغانستان تولید کرد. ملی گرایان و علمای دینی از دعوت سلطان عبدالحمید دوم برای جهاد نه تنها بخاطری استقبال نمودند که ترکیه مرکز خلافت بود و مسلمانهای اهل تسنن در دفاع از آن احساس مسئولیت میکردند، بلکه این استقبال برای اتحاد با قوتهای دیگر اسلامی به مقابل متحدین نیز بود و این کار میتوانست تلاش افغانستان را برای آزادی کامل از نفوذ انگلیس ها تقویت بخشد (۲).

هرچند رسیدن هیئت نمایندگی مشترک ترکیه و آلمان، تحت ریاست اوسکار نیدرمایر که در آن برکت الله و راجا مهندرا پرتاب، دوتن از انقلابیون هندی ایکه بعد ها حکومت مؤقتی جلالی وطن هند را در کابل تشکیل دادند، و حامل پیام امپراتور و صدراعظم آلمان بود، نتوانست امیر حبیب الله خان را به جنگ تشویق کند، درین دوران محمود طرزی، یکی از پیروان علامه سید جمال الدین افغانی و ناشر جریده سراج الاخبار، با عده از ملی گرایان کوشید تا از طریق انتشار مضامینی بین ملت گرائی و تفکر اسلامی نزدیکی ایجاد نماید. سراج الاخبار با باز نمودن مجرای بیداری شعور سیاسی برای مردم ابتکار تبلیغ و جلب کمک برای ترکیه عثمانی و حرکت پان اسلامیزم را عهده دار گردید.

بی جهت نبود که نایب السلطنه هند بریتانوی در نامه ۱۴ دسمبر خود به امیر حبیب الله خان نوشت: "اطلاع یافته ام که روزنامه ای بنام سراج الاخبار، که در کابل منتشر میشود، به پیمانهای زیادی حاوی مطالب نادرست و تخریب کننده در رابطه به جنگ جاری اروپا می باشد. مطالب این اخبار بجز از اینکه اثرات نادرستی در ذهن خواننده خلق نماید، در باره پیشرفت این جنگ و عللی که دولت بریتانیا را به این جنگ کشاند، کاری انجام داده نمی تواند. من کاملاً مطمئن هستم که این روزنامه به هیچ صورت زبان رسمی دولت معظم له نبوده و اصلاً از احساسات عالیله دولت همایونی و اعلیحضرت شما نمایندگی نخواهد کرد. بنظر من کاملاً نامطلوب و ناخوش آیند خواهد بود اگر این اخبار به وضع موجود در هندوستان منتشر شود، زیرا هم با مقالات نادرست و منش متعددی خود این فکر را که نوشته های آن نمایندگی از احساسات عالیله دولت شما میکند، ناآرامی زیادی در اذهان مردم نا آگاه تولید میکند و چنان

نشان می‌دهد که گویا روابط حضور اعلیحضرت شما و اینجانب چنانیکه باید و یا به حدی که من امیدوار هستم دوستانه نیست. یقین خواهید داشت که اینجانب کوچکترین تمایلی برای مداخله در هیچ امری از امور داخلی افغانستان ندارم، ولی به صفت یک دوست به اعلحضرت شما مشورت می‌دهم و خواهش‌م‌نم که تصامیمی اتخاذ شود که یا این روزنامه را توقیف کنند و یا در لحن موجوده آن تغییر بیاورند(۳) .

جنبش خلافت در هند بریتانوی

جنبش خلافت در شبه قاره هند (۱۹۱۹-۱۹۲۴) یک کمپاین سیاسی و ادامه پان اسلامیزم بود. همانطوریکه در دوران جنگ اول جهانی در افغانستان ملی گرایان تحت رهبری محمود طرزی و امان الله خان با روحانیون تحت رهبری سردار نصرالله خان ائتلاف نمود، که آنرا به اصطلاح حزب جنگ خواندند، در هندوستان نیز پان اسلامیزم، که عمدتاً یک جنبش مذهبی اسلامی بود، با نیشنلیزم یکجا شده و بخشی از جنبش وسیع آزادیبخش هند را تشکیل میداد. آنها در پهلوی فشار بر حکومت بریتانیا و حمایت از پروگرام خلافت سلطان عبدالحمید دوم (۱۸۷۶-۱۹۰۹)، امپراتور ترکیه عثمانی، شعار خودمختاری (Swaraj یا دولت خود) را بلند کردند.

گرچه در دوران جنگ جهانی اول جنبش پان اسلامیزم و خلافت در ایالت سرحدی شمال غربی و سرحدات آزاد پیروان زیادی نداشت(۴)، پیشروی قوای انگلیسی در عراق، باعث برآشفنگی زیاد مسلمانان شبه قاره هند شد. آنها سلطان ترکیه را خلیفه و رهنمای روحانی جهان اسلام میدانستند. او متولی شهر های مقدس مکه و مدینه بوده و مسئولیت مراسم حج را به عهده داشت. امپراتوری عثمانی آنروز کشور های اردن، فلسطین، لبنان، سوریه و عراق را دربر میگرفت، و اکثر شهر ها و اماکن مقدس و زیارت های مسلمانان به شمول یروشلم (که بعد از شهر های مکه و مدینه سومین شهر مهم و مقدس بشمار میرفت)، کربلا، نجف، کوفه و غیره در امپراتوری ترکیه عثمانی شامل بودند(۵).

معاهده " سِور" (Treaty of Sèvres) در سال ۱۹۲۰، که هدفش تجزیه امپراطوری عثمانی بود، افغانها و رهبران مسلمان هند را خشمگین ساخت. مولانا محمد علی جوهر، یک ژورنالیست برجسته تحصیل کرده در آکسفورد انگلستان با برادرش مولانا شوکت علی با رهبران مسلمان دیگر مثل داکتر مختار احمد انصاری، رئیس مهاجرین جانمحمد جونجو، حسرت موهانی، سید عطاالله شاه بخاری، مولانا عبدالکلام آزاد، و داکتر حکیم اجمل خان یکجا شده کمیته سرتاسری خلافت هند را ایجاد کردند.

در سال ۱۹۲۰ یک ائتلافی بین رهبران جنبش خلافت و مهندس گاندهی، رهبر کانگرس ملی هند که یکی از بزرگترین احزاب هند بود، هم بوجود آمده و تعهد سپردند که یکجا مبارزه کنند. در هفتم ماه مارچ این سال اعلامیه گاندی به طرفداری جنبش خلافت منتشر شد که در آن تأکید شده بود که در صورت برآورده نشدن خواسته های مسلمانان در مورد خلافت، روش " عدم همکاری" در مقابل انگلیسها بانیست شدیدتر شود. در تابستان همین سال مولانا محمودالحسن، که از حبس طولانی در مالتا آزاد شده بود، علمای دیوبند را به حمایت از جنبش خلافت بسیج نمود.

حمایت غازی امان الله خان از جنبش خلافت

غازی امان الله خان بعد از جنگ استقلال از داعیه کشور ترکیه و جنبش خلافت در هندوستان حمایت نموده، به تاریخ ۲۳ فبروری ۱۹۲۰ از نائب السلطنه هند تقاضا نمود تا امکانات ارسال یک هیئت نمایندگان را به لندن فراهم کند، تا امپراتور انگلیس را از احساسات مسلمانان آگاه و از احساسات واقعی مردم انگلیس باخبر شوند(۶).

انگلیس ها تقاضای غازی امان الله خان را برای ارسال هیئت نمایندگی افغان ها برای مذاکرات روی مسئله خلافت رد کردند. عده از مامورین انگلیسی، به شمول سکرتر امور خارجی هند بریتانوی این اقدام غازی امان الله خان را کاملاً به ضرر انگلیس ها میدانستند. آنها معتقد بودند که اولاً امیرمیخواهد بحیث یک قهرمان جهان اسلام تبارز کند؛ ثانیاً او میخواهد فرصت رهبری جامعه مسلمانان آسیای مرکزی را بدست آورده، آرمان هم پیمانی یا کانفیدراسیون آسیای مرکزی اش را تحقق بخشد؛ و بلاخره با لندن ارتباط مستقیم قیام کند(۷). اندازه ترس آشکار مقامات انگلیسی از متن تلگرام وزیر خارجه برای امور هند بریتانوی هویداست که به تاریخ ۸ مارچ ۱۹۲۰ به کمشنر عمومی و نماینده گورنر جنرال در ایالت سرحدی شمال غربی درین رابطه نوشت: " انگیزه اصلی امیر استفاده از احساسات مشتعل شده مردم در هند و ایجاد همبستگی با مسلمانان و احتمالاً هندوان میباشد. دادن اجازه به هیئت افغانی به مثابه بازپچه دست امیر شدن است که عواقب وخیمی را در بر خواهد داشت. گذشتن هیئت افغانی از خاک هند احساس عمیقی را بجا خواهد گذاشت و ممکن است مظاهرات خطرناکی را دامن زند".(۸).

غازی امان الله خان در بیانیه اولین سالگرد قتل پدرش اعلام کرد که او سایه یک فاجعه بزرگ و وحشتناک را بر فراز جهان اسلام میبیند. قدرت های بزرگ اروپا به فکر تخریب مؤسسه خلافت هستند. وی اظهار خرسندی کرد که مسلمانان هند، که از حمایت هندو ها بهره مند اند، تصمیم گرفته اند که اگر مسئله خلافت مطابق خواهش مسلمانان حل نشود، یا جهاد را اعلام نموده و یا از هند مهاجرت خواهند کرد. وی خاطرنشان ساخت که خودش به انگلیس ها

تحریری اطلاع داده است که "هیچ مسلمانی مداخله در امور خلافت را تحمل کرده نمیتواند، و بیش ازین خلیفه اش را تحت کنترل دیده نمیتواند. چنین ترکیبی با غرور و عزت افغانستان مغایرت دارد". غازی امان الله خان با نشان دادن آمادگی و عزم و اراده اش در حمایت از خلافت و مردن در راه خدا، خواهان وحدت مسلمین شد. او در عین زمان به مسلمانان التماس نمود تا در راه ترقی و تجدد فداکاری کنند، چون این یگانه راهیست که جهان اسلام را از اضمحلال و ناتوانی نجات خواهد داد (۹)".

حکومت افغانستان مراکز جمع آوری اعانه برای حمایت از عملیات نظامی مصطفی کمال در ترکیه و پیشوایان جنبش خلافت هند را در کابل دایر کرد. اخبار اتحاد مشرقی جلال آباد نوشت که هرگاه موضوع خلافت مطابق به قوانین اسلامی تصفیه نشود، اماکن مقدسه و قصر های باشکوه اسلامی در تسلط غیر مسلمانها آمده، تمامیت ارضی امپراطوری عثمانی جریحه دار گردد، ممکن نخواهد بود که مسلمانهای هند به دولت هند وفادار بمانند. (۱۰) به همین نحو جریده امان افغان نیز مقالهء تحریک آمیزی تحت عنوان "اسلام در لحظات زندگی و مرگ" به حمایت از داعیه خلافت منتشر ساخت (۱۱).

برقراری مناسبات سیاسی با ترکیه و بعداً عقد قرارداد دوستی بین افغانستان و ترکیه هم به معنی ائتلاف ضد انگلیسی بوده و مفهوم فرعی پان اسلامیتی داشته، با همبستگی اسلامی هماهنگ بود. در ماده سوم این معاهده ذکر شده است که "دولت علیه افغانستان دولت علیه ترکیه را، که از زمانهای قدیم خدمات برگزیده و رهبری برای عالم اسلام کرده و علم خلافت را بدست گرفته، دولت مقتدایها تصدیق میکند". مطابق به ماده دوم این معاهده "دولتین عالیتین عاقدین آزادی و حریت کامله و تملک حق اسقلال همه ملل مشرق را بهر اصول و طرزى که برای اداره و ترتیب حکومت خود ها آرزو کنند قبول میکنند و استقلال دولتین بخارا و خیوه را تصدیق مینمایند". مطابق به ماده چهارم این معاهده "هرکدام از حکومت های خارجی که بخواهند در شرق سیاست استیلا و استثمار جویانه تعقیب نماید و یک تجاوزی بر یکی ازین هردو دولت بوقوع بیايد، طرفین عاقدین این تجاوز را عین تجاوز بر خود شمرده بوسایط ممکنه در چاره آن خواهد کوشید (۱۲)".

پیشنهاد غازی امان الله خان بحیث کاندید مقام خلافت

غازی امان الله خان ننتها بعد از پیروزی در جنگ با انگلیس هابحیث قهرمان ملی گرائیکه مؤفقا نه دنب شیر انگلیسی را پیچانده بود، به شهرت رسید، بلکه برای پالیسی ها و اقدامات نسنلستی، ضد انگلیسی و پان اسلامیتی اش مورد ستایش و احترام خاص جهان اسلام هم قرار گرفت. او نه تنها در افغانستان، بلکه در هند بریتانوی و آسیای میانه نیز حمایت مردم را بدست آورد، بلکه بعد از سقوط خلافت عثمانی بحیث کاندید مقام خلافت پیشنهاد شد (۱۳). علامه اقبال لاهوری کتاب "پیام مشرق" خود را که یکی از پرمایه ترین و زیباترین آثار او می باشد و در پاسخ به دیوان گوینته شاعر آلمانی سروده شده است، بحضور اعلیحضرت امان الله خان فرمانروای دولت مستقله افغانستان پیشکش نمود. شاعر دیگر فارسی، محمدحسن متخلص به وحید و معروف به وحید دستگردی یکی از شاعران و سخنوران اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم ایران، در اثر چکامه اتحاد اسلامی خود از غازی امان الله خان ستایش نمود.

اسناد محرمانه ارشیف هند بریتانوی نشان میدهد انگلیس ها ترس داشتند که امکان دارد یک فدراسیون دولت های مسلمان افغانستان، پارس، بخارا، و ترکستان، و البته امیر بحیث سلطان یا حتی خلیفه، از آرزو های امیر باشد. در کنفرانس مذاکرات صلح راولپندی هملتون گرانت احساس کرد که شاید تقاضای استقلال افغانستان با تقاضای خلافت رابطه داشته باشد (۱۴).

در افغانستان صدراعظم، سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله، و عده دیگر از حامیان بسیار با حرارت این مفکوره بوده امید وار بودند که غازی امان الله خان به حیث خلیفه مسلمین انتخاب شود. وی از همان آغاز این موضع را طی یک مکتوبی با هانری دابس در میان گذاشته بود. در ماه می دابس از میسوری در تلگرامی گفت که محمود طرزی از هموار شدن راه برای شناسائی شاه امان الله بعنوان خلیفه آشکارا طرفداری میکند.

سنزل نوید مینویسد که شایعات در باره ارتقا پادشاه افغانستان به مقام خلافت با ضعف روزافزون موقف خلیفه عثمانی در ترکیه هر آن قوی تر میشد؛ به عقیده ناظران سیاسی پادشاه افغانستان، بحیث یگانه شاه مستقل مسلمان سنی مذهب، یگانه کسی بود که میتواند جانشین خلیفه عثمانی شود (۱۵). این مسئله در کنگره باکو در سال ۱۹۲۰ مورد بحث قرار گرفت و بنا بر گزارش، در این کنفرانس موضوع سلطنت از خلافت جدا اعلان شده و "تصمیم گرفته شد که مقام دومی یعنی خلافت به امیر افغانستان پیشکش شود (۱۶)". در ماه نومبر ۱۹۲۰ جمال پاشا یکی از رهبران «کمیته اتحاد و ترقی» ترکیه، با این مأموریت خاص که پایتخت افغانستان را از طریق معرفی امان الله خان بعنوان کاندید مقام خلافت، مرکز فعالیت های پان اسلامیتی بسازد، به کابل رسید. این مفکوره تأیید فوری روحانیون بزرگ کابل را حاصل کرد. دستگاه جاسوسی و اطلاعات انگلیس در ایالت سرحدی شمال غرب هندوستان از ملاقات

خصوصی، که قرار بود عنقریب در بین شمس المشایخ فضل محمد مجددی و جمال پاشا صورت بگیرد، اطلاع داد و اضافه نمود که حضرت شمس المشایخ و ملای تگاب آرای عمومی را در این مورد آزمایش میکنند (۱۷).

در یک گزارش دیگر آمده است که به تاریخ ۱۹ نومبر ۱۹۲۰ حضرت صاحب شور بازار (شمس المشایخ) در مسجد جامع بزرگ کابل اعلان کرد که: "امیر افغانستان فرمانروای مسلمان و مستقل و منحصر به فردیست که برای ما باقی مانده. او اکنون سرکرده اسلام است و مسلمانان جهان باید لقب خلیفه را به وی تهنیت بگویند" بعد از وی مولوی برکت الله حاضرین را مخاطب قرار داده و پیشنهاد را تأیید نمود (۱۸).

اما باوجودی که روحانیون افغان و پیشوایان جنبش خلافت هندی خواستند غازی امان الله خان، پادشاه افغانستان، رهبری آنها را بدست گیرد، وی بتاریخ ۲۳ نومبر در دربار علناً اعلان نمود که خلافت موضوعی است که به همه مسلمانان تعلق دارد و باید بصورت عمومی از طرف تمام مسلمان های جهان فیصله شود. وی همچنین اضافه نمود که هیچ گونه قصدی برای گرفتن چنین مسولیت بزرگی را ندارد. درین دربار جمال پاشا، اراکین بلند پایه ملکی و نظامی، برکت الله و عبدالرب نیز حضور داشتند (۱۹).

با وجود اظهارات علنی امان الله خان که نمودار عدم علاقه وی به مقام خلافت بود، نگرانی انگلیسها از ائتلاف احتمالی افغانها و ملی گرایان هند بر علیه آنها بیشتر میشد. حکومت هند این مسئله را با وزیر خارجه برای امور هند در لندن در میان گذاشت و تأکید کرد که "از این بیشتر نمیتوانیم امکانات انتخاب شدن امیر را به صفت خلیفه نادیده بگیریم. لازم است به نتایج وخیمی، که انتخاب وی بمقام خلافت برای هندوستان ببار خواهد آورد، عمیق بیندیشیم (۲۰).

(ادامه دارد)

یادداشت ها و مأخذ

۱. نوید، سنزل /ترجمه مجددی، نعیم (۱۳۸۸). واکنش های مذهبی و تحولات اجتماعی در افغانستان ۱۹۱۹-۱۹۲۹. شاه امان الله و علمای افغان، ص ۷۷.
۲. همانجا، ص ۴۶.
۳. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی L/P&S/14/6
۴. Spain, James W. (1963), مناطق سرحدی پشتون ها، ص ۱۶۳.
۵. Afzal, Ali K (2004)، انقلابیون مسلمان و انگلیس، ص ۱۱.
۶. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، سند شماره ۳۵۶ مربوط به سرحد
۷. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، سند شماره ۵۸۲.
۷. همانجا سند شماره ۵۸۲ یادداشت صفحه ۱۸۶.
۸. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۲۹.
۹. Gregorian, Vartan. (1969)، ظهور افغانستان مدرن، ص ۲۳۵.
۱۰. اتحاد مشرقی مجلد ۱، شماره ۵، ۲۳ حوت ۱۲۹۸ برابر با ۱۳ مارچ ۱۹۲۰، به حواله کتاب سنزل نوید.
۱۱. امان افغان مجلد ۱، شماره ۱، ۲۲ حمل ۱۲۹۸ مطابق ۱۲ اپریل، به حواله کتاب سنزل نوید ۱۹۲۰.
۱۲. سواد معاهده دولتیین علیتین افغانستان و ترکیه.
۱۳. Poullada, L. B. (1973)، اصلاحات و اغتشاشات در افغانستان، ص ۴۷.
۱۴. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی L/P&S/20/B288, P261
۱۵. نوید، سنزل (۱۳۸۸)، ص ۸۳.
۱۶. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی L/P&S/20/B288, P261
۱۷. L/P&S/10/813, PA 743, NO. 50, Dec. 16, 1920 اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی
۱۸. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی L/P&S/20/B288, P261
۱۹. همانجا.
۲۰. همانجا.